

طراحی مدل وجوه افتراق و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

عیسی ملک‌پور^۱
جلیل توتونچی^۲
محمدعلی دهقان تفتی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۳۰

چکیده

در اقتصاد متعارف، نرخ بهره نقش مهمی در تخصیص پول نقد در دسترس، بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان، بازی می‌کند. نرخ‌های بهره، همچنین، هسته ابزارهای مرسوم سیاست پولی، همچون نرخ تنزیل و عملیات بازار باز است. از طرفی، یک ویژگی کلیدی اقتصاد اسلامی، نبود پرداختی یا دریافتی هرگونه نرخ بهره از پیش تعیین شده (ثابت) است که به نام ربا شناخته می‌شود. در این صورت چه طور اقتصاد می‌تواند بدون نهاد متعارفی به نام بهره کار کند و چگونه بانک مرکزی می‌تواند به طور کارا ذخیره پول را در نبود ابزارهای سنتی کنترل کند. اقتصاد اسلامی به جای نرخ ثابت، فعالیت‌های خود را بر مبنای اصل تقسیم سود و زیان سازماندهی کند. از این رو با توجه به اهمیت موضوع فوق در تحقیق حاضر به طراحی مدل وجوه افتراق و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می‌شود. همچنین از نرم افزار آماری SPSS و Lisrel برای تحلیل آماری و استنتاج فرضیات این پژوهش استفاده می‌شود. تحقیق حاضر در سال ۱۴۰۰ انجام خواهد شد. جامعه آماری در این تحقیق شامل خبرگان حوزه اقتصاد و اقتصاد اسلامی می‌باشد که از روش نمونه‌گیری موارد خاص یا ویژه و در دسترس استفاده

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم اقتصادی، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران.

Isa_malekpour@yahoo.com

^۲ استادیار گروه اقتصاد، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران. (نویسنده مسئول)

totonchi@iauyazd.ac.ir

^۳ استادیار گروه اقتصاد، واحد ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ابرکوه، ایران.

dehghantafti@iauyazd.ac.ir

شده است. نهایتاً در این تحقیق وجوه افتراق و اشتراک نظریه‌های پول و بهره با تأکید بر اقتصاد اسلامی به صورت مجزا ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها: وجوه افتراق - وجوه اشتراک - نظریه‌های پول و بهره - اقتصاد اسلامی
طبقه بندی JEL: E4، G12، F41

مقدمه

ماهیت و کارکرد پول و نقش بهره در این بین، یکی از مباحث مهم اقتصادی است که فصلی بزرگ را در تاریخ اندیشه‌ی اقتصادی به خود اختصاص داده است. از یک طرف، تحولات جدید در ابزارهای پرداخت همانند کارت‌های اعتباری و نقدی در کاهش تقاضا برای پول نقد در معاملات روزانه کمک کرده‌اند، در حالی که از طرف دیگر، فن‌آوری‌های پرداخت مدرن و بانک‌داری الکترونیکی نیز در گسترش خدمات بانکی نقش به‌سزایی داشته‌اند. بنابراین، درک ماهیت و کارکرد پول در اقتصاد در نوع سیستم پولی و نحوه‌ی مدیریت سیستم پولی اثری مهم دارد (ژائو، ۲۰۱۷). پول در فعالیت‌های اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت دارای تأثیر و تأثر است. از یک طرف، حتی در کوتاه مدت پول موجد و منشاء یک سلسله فعالیت‌های اقتصادی است و از طرف دیگر ارزش پول و سرعت گردش آن از شرایط و فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. در اقتصاد کلان دو گونه متغیر به چشم می‌خورد: یکی متغیرهای واقعی مانند سطح ستاده، اشتغال، دستمزد واقعی و نرخ بهره‌ی واقعی. دیگری متغیرهای پول مانند دستمزد اسمی (پول)، سطح قیمت‌ها و نرخ بهره‌ی اسمی (شاگری، ۱۳۹۰). کشورها جهت رسیدن به هدف‌های اقتصادی خود با توجه به وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، برنامه‌ی ویژه‌ای در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی اتخاذ می‌نمایند. به‌همین دلیل سیاست‌های پولی را می‌توان تلاش در جهت کنترل حجم پول در راستای تحقق اهداف اقتصادی یا به حداقل رساندن خسارت‌های ناشی از وجود عملکرد نظام پولی تعریف نمود. از طرفی، سیاست‌های پولی و مالی به عنوان مؤثرترین سیاست‌های اقتصادی با تنظیم نرخ رشد نقدینگی، می‌توانند موجب حصول اشتغال کامل، تثبیت قیمت‌ها، ایجاد تعادل در موازنه‌ی پرداخت‌های خارجی و رشد اقتصادی شوند و زمینه‌ی مناسب و مطمئنی برای کارگزاران اقتصاد در امر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم آورند (ایزدی و دهمرده، ۱۳۹۱). اما پول، یکی از مفهومی‌های چالش برانگیز اقتصاد است و می‌توان تفسیرهای آن را به تعداد مکتب‌ها و نحله‌های فکری اقتصاد، متکثر و متنوع دانست.

اما در مطالعه‌ی اقتصاد اسلامی برخی از محققان عنوان داشته‌اند که هر چیزی که به طور مستقیم، رفع کننده یکی از نیازهای مصرفی شناخته شده انسان و دارای ویژگی کمیابی نسبی باشد، کالای حقیقی است. وی عنوان میکند فقیهان پول اعتباری را مال و حامل ارزش تلقی میکنند اما عنوان کالا به آن اطلاق نمی‌شود. وی درباره پول و سرمایه بیان داشته است که پول ارزش مبادله‌ای محض اشیاء و قدرت خرید کل است؛ از این رو یک مال اعتباری است؛ در حالی که

سرمایه مال حقیقی است که در پدیدساختن کالاها و خدمات نقش مستقیم دارد. بنابراین پول و سرمایه در ماهیت متفاوت هستند (نظری و همکاران، ۱۳۹۰).

داودی برای پول چهار تعریف ارائه می‌دهد:

۱. پول چیزی است که بیانگر مالیت مال و ویژگیهای شخصی آن از نظر عرف لغو شده باشد
 ۲. پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه‌های خصوصی و شخصی اموال است
 ۳. پول چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص باشد
 ۴. پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن است.
- وی بعد از این بیشتر به انواع مصداقهای پول می‌پردازد. توتونچیان پول را یک کالای عمومی معنا میکند. عیوضو پول را کالای مشترک میدانند. بسیاری از نظریه پردازان اقتصاد اسلامی مصداقهای پول را از ماهیت پول تفکیک نکرده‌اند و احکام صادره برای پول را به جای ماهیت پول بر مصداقهای پول سوار کرده‌اند. موسایی ماهیت پول را با مصداقهای پول مترادف دانسته (موسایی، ۱۳۸۹) و در همین باره عنوان می‌کند:

اکثر فتوای فقیهان درباره احکام پول مربوط به درهم و دینار است ... تغییرهایی که چهارده قرن تاکنون در ماهیت و پشتوانه پول اتفاق افتاده، باعث شده است که بتوانیم ادعا کنیم بسیاری از احکام مربوط به درهم و دینار بر پول‌های فعلی نمی‌تواند جاری باشد.

شهید صدر، در اینباره بیان میکند که احکام صرف در فقه اسلامی با دگرگونی پول از نوعی به نوعی دیگر تغییر میکند (صدر، ۱۹۹۴). وی در جای دیگر مینویسد که پول‌های کاغذی مال مثلی است. شاهرودی اگرچه ارزش و توان خرید پول را همه هستی و اساس پول میدانند و ارزش آن را به جنس حقیقی اش وابسته نمیدانند اما با این نظر که پول، مال مثلی است موافق میباشد. بجنوردی تمام حقیقت اسکناس را قدرت خرید و قدرت توانایی رفع احتیاجات میدانند و در عین حال برای اسکناس مالیت قائل است اما مالیت و ارزش اسکناس را مستقل از دارنده اش میدانند. یوسفی مینویسد که پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای، مثلی است. در جای دیگری بیان میکند گفتاری که بتواند تا حد قابل قبولی پول را آشکار کند، عبارت است از اینکه پول شیئی فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیئی غیرفیزیکی که خود فی نفسه ارزش مبادله‌ای عام است شمرده میشود. وی به حقیقت و ماهیت پول نمی‌پردازد بلکه مصداق‌های پول مانند چک، پول اعتباری و پول الکترونیکی مورد بحث قرار میدهد (کمیحانی و همکاران، ۱۳۹۸).

با دقت در ادبیات موضوعی مطرح شده در فوق ملاحظه می‌شود که در تعریف پول در بین محققان نظام اقتصادی وفاق نیست؛ اگر چه در بین پژوهشگران نظام سرمایه داری عنوان شده است که اگر پول فقط به عنوان وسیله مبادله باشد بهره به آن تعلق نمی‌گیرد اما همچنان مؤلفه پول در

ادبیات اقتصادی این نظام به صورت دارایی، کالا یا سرمایه به کار میرود که در بین اقتصاددانان و نظریه پردازان مسلمان موضوعیت این ادبیات نیز وجود دارد. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع پول و بهره و تاثیر آن بر اقتصاد به خصوص در اقتصاد ایران، این پژوهش به تحلیل و بررسی مقایسه تطبیقی نظریه های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی خواهد پرداخت. در این رساله سعی بر این است تا از طریق مقایسه تطبیقی نظریه های پول و بهره با تاکید بر اقتصاد اسلامی، با روش توصیفی تحلیلی، نقاط افتراق و اشتراک این نظریه‌ها به تصویر کشیده شود.

۱- ادبیات پژوهش

برخی از اقتصاددانان بر این باور هستند که علت عدم آسیب اقتصاد اسلامی، به علت نبود تعامل اقتصادی با دنیاست اما اقتصاددانان مسلمان این ادعا را نپذیرفته‌اند؛ زیرا کشورهای اسلامی به علت برخورداری از بیشترین ذخایر و منابع ارزشمند انرژی، عضوی از اقتصاد جهانی شمرده شده و در تعامل‌های اقتصادی جهان حضوری فعال داشته‌اند؛ با این وجود از بحران اخیر کمترین آسیب را دیده‌اند. اصلی ترین مسئله در نظام اقتصاد اسلامی که آن را از دیگر نظام های بانکی متمایز کرده، دیدگاه این نظام ممنوعیت ربا و محدودیت سفته‌بازی در چارچوب احکام و قوانین شریعت است. همین مسئله سبب شده تا دیگر شاهد بحران‌هایی که نظام اقتصاد متعارف به صورت فزاینده با آن روبه‌رو است، نباشیم. برخی از عقده‌های اسلامی مانند اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و تنزیل نرخ بازده ثابت دارند که براساس ارزیابی کالاهای مورد معامله و انتظارات طرفین تعیین می‌شوند. برخی دیگر از عقده‌ها مانند مضاربه و مشارکت براساس سهم از پیش تعیین شده منعقد می‌شوند؛ بنابراین سود ثابت ندارند. در تحلیل قیمت‌گذاری دارایی های مالی و سرمایه نقدی می‌توان به جمع بندی زیر دست یافت:

۱. تعیین نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تضمین شده است ربا تلقی می‌شود و هیچگونه بازدهی به آن تعلق نمی‌گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می‌شود و حرام است.

۲. دارنده مال انتظار دارد در ازای منابعی که سرمایه‌گذاری می‌کند و این سرمایه گذاری زمانبر است بازگشت حقیقی عادلانه ای را در آینده دریافت کند.

مدلهای تعادل عمومی پویای تصادفی بهره‌م پیشینه غنی در ادبیات کلاسیک و نوبی اقتصادی، اخیراً مورد علاقه اقتصاددانان اسلامی هم قرار گرفته‌اند. از آنجا که یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی کمک به افراد دارای مهارت و فاقد منابع مالی است که چنین هدفی در سیستم متعارف دنبال نمی‌شود، در اصول اقتصاد اسلامی اعتقاد بر این است که همجمعی اقتصاد و ارزش‌های

اخلاقی نتایج بزرگی همچون تورم و بیکاری کمتر را به همراه دارد. به علاوه، در نظام بانکداری اسلامی تمام عملیات بانکی بر مبنای بخش واقعی اقتصاد پایه ریزی شده است و دارایی‌های مالی یا وجوه سرمایه‌گذاری، همانند پول نقد، زمانی عایدی خواهند داشت که براساس عقود شرعی اسلامی در فعالیت مشروع اقتصادی به کار گرفته شوند. در این صورت، پول را از کانال سفته بازی به بخش واقعی هدایت می‌کند. در این صورت باعث کاهش شکاف تولید و تورم می‌شود.

یکسان انگاشتن بهره ناشی از اقتصاد اسلامی و بهره تئوری‌های اقتصادی ناشی از اشتباه در ارزیابی مفاهیم یا به اصطلاح خلط معرفت‌شناختی (اپیستمولوژیک) است. بهره تئوری‌های اقتصادی یا بهره سرمایه، با گسترش روابط اقتصاد بازار رقابتی و نضج گرفتن سیستم اعتباری جدید پدیدار شد، و در واقع نشان‌دهنده کمیابی سرمایه در یک اقتصاد بازار رقابتی است، در حالی که بهره غیر اسلامی پدیداری مربوط به اقتصاد معیشتی و ایستاست که در آن پول نقش حاشیه‌ای و بسیار اندکی در زندگی اقتصادی عموم افراد دارد، و دارندگان پول (وام‌دهندگان ربوی) از موقعیتی انحصاری برخوردارند و بهره کم و بیش یک قیمت انحصاری است که تعیین سطح آن بیشتر در اختیار دارندگان اندوخته پولی است. از لحاظ اقتصادی، سرمایه، که ریشه در پس‌انداز دارد، وسیله‌ای برای بالا بردن توان تولیدی است. پس‌انداز به معنی امساک از مصرف آنی است که می‌تواند منشا شکل گرفتن سرمایه باشد. مصرف، به عنوان هدف نهایی تولید، عبارت است از برآورده کردن نیازها یا خواسته‌های بشری. واضح است که از تعاریف فوق نباید این استنباط را کرد که سرمایه تنها وسیله افزایش توانایی تولیدی است، یا این که هرگونه امساک از مصرف (پس‌انداز) ناگزیر به تشکیل سرمایه منجر می‌گردد. پس‌انداز زمانی به سرمایه تبدیل می‌شود که هدف نهایی آن در جهت فعالیت‌های تولیدی باشد. همان طور که پس‌اندازهای مدفون در خاک را نمی‌توان سرمایه تلقی نمود، اندوخته‌هایی که صرفاً به منظورهای مصرفی وام داده می‌شوند نیز مشمول تعریف سرمایه به مفهوم اقتصادی آن نمی‌باشند. هرچه تقسیم کار پیشرفته‌تر شده و تولید تخصصی‌تر گردد، نیاز به وسایل تولیدی یعنی تقاضا برای سرمایه بیشتر خواهد شد. بنابراین، در یک اقتصاد معیشتی بسته، مانند اقتصاد جوامع روستایی یا عشایری خودکفا، که تولیدکنندگان علاوه بر تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز خود، ابزار ابتدایی تولیدشان را نیز خود تولید می‌کنند، تقاضا برای سرمایه و به طریق اولی بازار سرمایه عملاً وجود ندارد. در چنین جوامعی که بازدهی تولید در سطح بسیار پایینی قرار دارد، امکان پس‌انداز نیز بسیار اندک است، و در نتیجه امکان تشکیل سرمایه نیز فوق‌العاده محدود می‌باشد. به‌رغم این که در جوامع پیش از سرمایه‌داری، روابط پولی و تجارت، به درجات مختلف، کم و بیش وجود داشته، اما این روابط اغلب در حاشیه فعالیت‌های اصلی تولیدی قرار داشتند. از این رو اندوخته‌های پولی ناشی از تجارت در این جوامع شباهت

چندانی به انباشت سرمایه در جوامع مدرن، با توجه به نقش مهم آن در نظام اقتصادی جدید، ندارد. صاحبان اندوخته پولی در جوامع مزبور، از موقعیتی انحصاری و حتی می‌توان گفت استثنایی برخوردار بودند و بدین لحاظ می‌توانستند در قبال وام‌هایی که می‌دادند، نرخهای بهره بسیار بالایی مطالبه کنند. با این که این نرخ‌های بالا را می‌توان نشانه کمیابی اندوخته‌های پولی دانست، اما آنها را نمی‌توان دال بر بازدهی نهایی بالای سرمایه تلقی نمود. زیرا همان طور که اشاره شد در این جوامع تقاضا و بازار برای سرمایه، به مفهوم اقتصادی آن، اساسا وجود نداشت. به عبارت دیگر، آن کارکرد اقتصادی و اجتماعی مهمی را که سرمایه در نظامهای اقتصادی جدید دارد، اندوخته‌های پولی در دنیای قدیم عملا نداشتند. شاید علت این که فیلسوفان دنیای باستان بهره را محکوم می‌کردند در همین نکته نهفته باشد؛ یعنی هیچ توجیه عقلانی، از جهت سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی برای آن پیدا نمی‌کردند، در حالی که نتایج زیان‌بخش آن به صورت سستی که بر وام‌گیرندگان می‌رفت، برایشان آشکارا قابل مشاهده بود (ایستوان و همکاران، ۲۰۲۰).

۲- پیشنهاد تحقیق

کمیجانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی "ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها"، پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که رویداد بحران مالی سال ۲۰۰۸، توجه اقتصاددانان و بانک‌های مرکزی را به کاستی‌های دیدگاه‌های رایج درباره ماهیت بانک و نقش آن در اقتصاد جلب کرد. از آنجا که لازمه هر گونه مقررات‌گذاری احتیاطی برای بانک‌ها، مدل‌سازی اقتصاد کلان شامل بخش مالی، و سیاست‌گذاری پولی و مالی سازگار، تحلیل درست از ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی است، این مقاله به روش تحلیلی توصیفی رویکردهای سه‌گانه درباره آن را بررسی می‌کند؛ از این رو پس از ارایه تصویری از دیدگاه‌های رایج در این باره دیدگاه واسطه‌گری مالی و دیدگاه ضریب فزاینده، هریک از این دیدگاه‌ها براساس مبانی اقتصاد پولی و اصول حسابداری نقد می‌شوند. همچنین، دیدگاه درست و کامل‌تر درباره ماهیت بانک (دیدگاه خلق پول انفرادی بانک)، با استناد به آرای اقتصاددانان و بانک‌های مرکزی پیش‌رو تبیین خواهد شد. تحلیل استدلال‌های موافق دیدگاه‌های واسطه‌گری مالی و ضریب فزاینده، نشان می‌دهد که ریشه‌های مهم فهم نادرست ماهیت بانک عبارت‌اند از: برداشت کالایی نسبت به پول، مغالطه ترکیب و خلط مباحث خرد و کلان، بی‌توجهی به اصول حسابداری دوطرفه، عدم تفکیک ترازنامه بانک مرکزی و بانک‌ها، و عدم توجه به اقتضایات سیاست هدف‌گذاری نرخ بهره توسط بانک مرکزی. براساس این، اصولی که رعایت آنها برای تحلیل درست بانک

در اقتصاد کلان ضروری است، معرفی و برخی دلالت‌های دیدگاه خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی، سیاست گذاری پولی، مقررات گذاری بانکی و مدل سازی اقتصاد کلان تشریح می شود. جمشیدی (۱۳۹۷) در مطالعه ای به بررسی "بانکداری اسلامی بدون ربا موانع چالش‌ها"، پرداخته است. وی بیان داشته است که بانکداری اسلامی نوعی بانکداری یا فعالیت بانکی است که با احکام اسلام (به ویژه از دیدر با رباخواری) همخوانی دارد در قالب اقتصاد اسلامی تعریف میشود. بانک نهادی حقوقی است که عملیاتهای پولی، مالیو اعتباری را بر عهده دارد. بانکداری نیز عبارت است از ارائه خدمات عملیات بانکی مانند: امانت داری؛ نقلو انتقال پول، سرمایه اوراق بهادار اشخاص حقیقی حقوقی به کارگیری آن؛ وصول مطالبات اسنادی؛ صدور بروات حواله های تجاری؛ اعطاء توزیع اعتبارات وام به اشخاص حقیقی حقوقی؛ تامین اعتبار در جهت توسعه بازرگانی، کشاورزی صنعت؛ خرید فروش فلزات قیمتی ارز؛ انتشار اسکناس اوراق بهادار تنظیم حجم پول در گردش؛ اجرای سیاست پولی کنترل حجم اعتبارات. حال اگر بخواهیم این خدمات و فعالیتها را طبق قوانین اسلام مدیریت اجرا کنیم، بانکداری اسلامی پدید می آید. لفظی که مفهومی نسبی را بیان میکند: هرچه بانکداری به نظرات اسلام نزدیکتر باشد، بیشتر اسلامی است. پس اتصاف بانک به صفت اسلامی بانکدار را ملزم می کند تا علاوه بر رعایت قوانین اسلامی در فعالیت ها خدمات مانند اجتناب از ربا یا توزیع اعتبارات به کارگیری سرمایه در موضوعات حرام مانند تولید فروش هرگونه جنس حرام؛ در نهایت، هدف عالی اتمام مکارم اخلاق را نیز دنبال کند.

سبحانی و قائمی نیا (۱۳۹۶) در مطالعه ای به بررسی " پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره)"، پرداخته اند. آن ها بیان داشته اند که پول، یکی از مفهوم های چالش برانگیز اقتصاد است و می توان تفسیرهای آن را به تعداد مکتب ها و نحله های فکری اقتصاد، متکثر و متنوع دانست. در تحقیق پیش رو در پی فهم پول نه از دید فقهی بلکه از نگاه فلسفی هستیم. پرسش اصلی تحقیق حقیقت شناسی پول از رهگذر فلسفی است. فرضیه تحقیق به تبعیت از بحث اعتباریات علامه؛ عبارت از این است که «پول مفهومی اعتباری می باشد». تلقی اعتباری از پول دلالت های قابل توجهی برای اقتصاد اسلامی دارد که در مقاله پیش رو آنها را تبیین کرده ایم. پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد، بنابراین کالا نیست. همچنین پول تابع احتیاج های حیاتی و عامل های ویژه محیط است و با تغییر آنها تغییر می کند، در نتیجه تنوع اشکال پولی مجاز و البته با توجه به گسترش نیازها ضروری است و پول در هر شکلی، فقط به ازای نفس الامر حقیقی خود باید پدید آید. همچنین پول نسبی، موقت و غیرضروری است.

آبل و لهمان^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه ای به بررسی "تئوری های پول و نرخ بهره"، پرداخته اند. آن ها بیان داشته اند که منشأ بیشتر نظریه های جریانات اصلی در مورد نرخ بهره به ایروینگ فیشر برمی گردد. تصور فیشر مبنی بر نرخ واقعی تعادل و نرخ بهره طبیعی و مفاهیم مربوط به نرخ "طبیعی" یا "خنثی" برای هدف گذاری تورم ضروری است. اعتقاد بر این است که این فرضیه، اعتقاد گسترده و با اطمینان را نشان می دهد که سیاست های پولی باید بر انتظارات تورمی متمرکز شوند تا نرخ بهره واقعی در سطح پایدار برای ارتقاء پس انداز و سرمایه گذاری حفظ شود. در این تحقیق استدلال می شود که چندین مشکل با این رویکرد وجود دارد، که متکی بر اصول "تحلیل واقعی" است و نه "رویکرد پولی" که در آثار شومپتر و کینز منعکس شده است. نظریه پولی پس از کینزی چارچوبی را ارائه می دهد که با روش های بانک مرکزی تأیید شده است. در این تحقیق از تجربه بانک مرکزی مجارستان به دنبال بحران مالی جهانی که ممکن است نکاتی را برای استفاده مجدد از سیاست های پولی معاصر و نظریه های مرتبط با آن فراهم کند، استفاده می شود.

بونفینگر و ریس^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه ای به بررسی مازاد پس انداز و نرخ بهره پایین: ارزیابی تئوری ها و شواهد در مورد بحران جهانی"، پرداخته اند. آن ها بیان داشته اند که یک اجماع گسترده وجود دارد که کاهش جهانی نرخ بهره واقعی را می توان با تمایل بالاتر برای پس انداز، مهمتر از همه به دلایل جمعیت شناختی توضیح داد. این تئوری استدلال می کند که این دیدگاه به یک نظریه مالی کالا متکی است که برای تجزیه و تحلیل پدیده های دنیای واقعی ناکافی است. در یک نظریه مالی پولی، پس انداز خانوار بودجه برای سرمایه گذاری آزاد نمی کند، بلکه صرفاً وجوه موجود را مجدداً توزیع می کند. علاوه بر این، این ستون نشان می دهد که در سطح جهانی، نرخ ناخالص پس انداز خانوار از دهه ۱۹۸۰ و همچنین نرخ پس انداز خالص کاهش یافته است. فونتانا^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه ای به بررسی "نقش پول و نرخ بهره در تئوری سیاست های پولی: تلاش ها و دیدگاه ها"، پرداخته است. با هدف ترسیم کار اقتصاددانان تأثیرگذار پولی در طی قرون گذشته، هدف این مقاله ارائه تحولات اخیر در تئوری و شواهد سیاست پولی و ارزیابی این احتمال است که با توجه به بحران مالی اخیر و رکود بزرگ، تحولات بعدی در این رابطه به چه صورت می باشد. بر همین اساس، برجسته کردن ماهیت پیچیده و نقش بانک ها و بازارهای مالی در اقتصادهای مدرن ارائه شده است.

۳-روش تحقیق

1 Istvan Abel and Kristof Lehmann

2 Peter Bofinger, Mathias Ries

3 Giuseppe Fontana

این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می شود. همچنین در این پژوهش از روش گردآوری کتابخانه‌ای یا اسنادی اطلاعات استفاده شده است. در این گروه تحقیقات، محقق ادبیات و سوابق مسأله و موضوع تحقیق را مطالعه می کند و در ادامه نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب شامل فیش، جدول و فرم ثبت و نرم افزارهای ثبت داده نگهداری می کند و در پایان به طبقه بندی و بهره برداری از آنها اقدام می نماید. همچنین از نرم افزار آماری SPSS و Lisrel برای تحلیل آماری و استنتاج فرضیات این پژوهش استفاده می شود. تحقیق حاضر در سال ۱۴۰۰ انجام خواهد شد. جامعه آماری در این تحقیق شامل خبرگان حوزه اقتصاد و اقتصاد اسلامی می باشد که از روش نمونه گیری موارد خاص یا ویژه و در دسترس استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

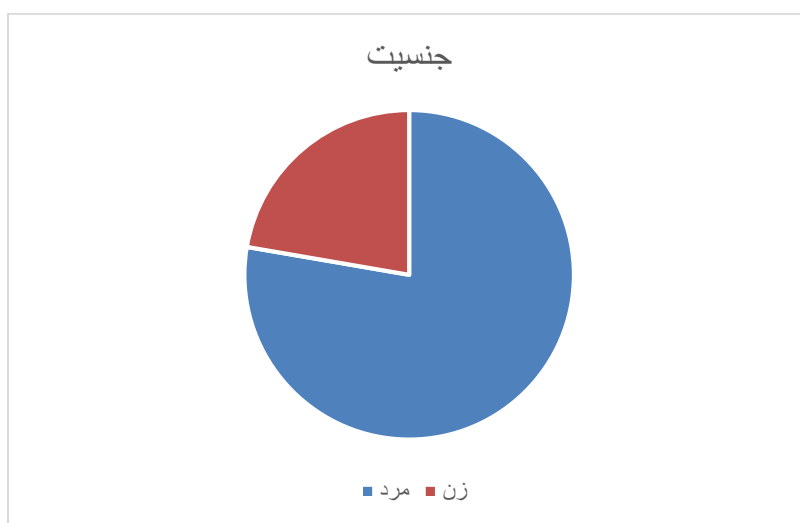
۴-۱- آمار توصیفی

۴-۱-۱- جنسیت

جدول ۱: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۲۹	۷۸
زن	۳۷	۲۲
جمع	۱۶۶	۱۰۰

منابع: یافته‌های پژوهش



نمودار (۱-۴) توزیع پاسخگویان برحسب جنسیت

منابع: یافته های پژوهش

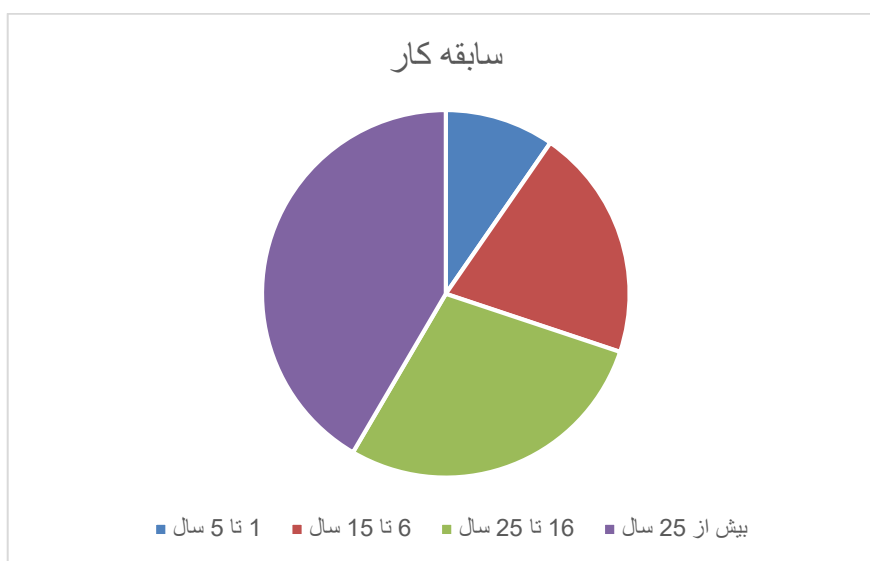
۴-۱-۲- سابقه خدمت

جدول زیر سابقه کاری افراد نمونه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول نمایان است، افراد با سابقه کاری بین ۶ تا ۱۵ سال بیشترین و افراد با سابقه کاری ۱ تا ۵ کمترین درصد را در جامعه دارند.

جدول ۲ توزیع پاسخگویان برحسب سابقه کار

درصد	فراوانی	سابقه کار
۱۰	۱۶	۱ تا ۵ سال
۲۰	۳۴	۶ تا ۱۵ سال
۲۸	۴۷	۱۶ تا ۲۵ سال
۴۲	۶۹	بیش از ۲۵ سال
۱۰۰	۱۶۶	جمع

منابع: یافته های پژوهش



نمودار (۲-۴) توزیع پاسخگویان برحسب سابقه کاری

منابع: یافته‌های پژوهش

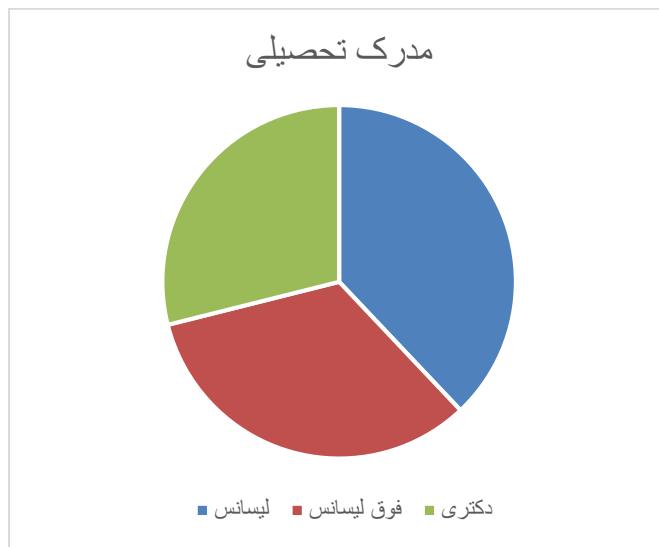
۳-۱-۴- میزان تحصیلات

همان‌گونه که در جدول زیر قابل مشاهده است، بیشترین تعداد مشاهدات مربوط به افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده و کمترین تعداد مشاهدات مربوط به افراد دارای مدرک دکتری است.

جدول ۳ توزیع پاسخگویان برحسب تحصیلات

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
لیسانس	۶۳	۳۸
فوق لیسانس	۵۵	۳۳
دکتری	۴۸	۲۹
جمع	۱۶۶	۱۰۰

منابع: یافته‌های پژوهش



نمودار (۳-۴) توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات

منابع: یافته های پژوهش

۲-۴- نتایج روش دلفی

در روش دلفی پرسشگری در دو دور یا بیشتر انجام میشود و در هر دور از نتایج به دست آمده از دور یا دورهای قبل استفاده می‌شود. بنابراین، از دور دوم، متخصصان و کارشناسان تحت تأثیر نظریات و عقاید هم‌ترازان خود و نتایج به دست آمده از دور قبل به سوالات پاسخ میدهند. تکنیک دلفی یک فرآیند قوی مبتنی بر ساختار ارتباط گروهی است که با استفاده از پرسش‌نامه اطلاعات مورد نظر را تجزیه و تحلیل می‌کند. بدین منظور نظرها و قضاوت‌های افراد در یک حیطه معین جمع‌آوری می‌شوند.

ساختار اولیه پرسشنامه جهت ارسال از طریق پست الکترونیک، یک فایل صفحه گسترده است. که به صورت هوشمند نسبت به پاسخ‌های ارائه شده از سوی پاسخ‌دهندگان واکنش نشان می‌دهد و در ازای انتخاب هر گزینه، پاسخ متناسبی را برای آن نمایش می‌دهد. هم‌چنین این پرسشنامه الکترونیک، در صورت عدم تکمیل بخش‌هایی از پرسشنامه، اقدام به نمایش پیغام خطا می‌نماید. پژوهش حاضر، از روش دلفی بهره می‌برد، که در آن با هدف گردش غیر مستقیم دانسته‌ها و اطلاعات در میان کارشناسان، نظرات پاسخ‌دهندگان در هر دور، به صورت ناشناس و کلی در دور بعد در اختیار آنان قرار می‌گیرد، تا چنانچه این نظرات مورد تأیید آنها بوده، اظهار نظر اولیه خود

را تعدیل نمایند تا بتوان به اجماع بیشتری درخصوص عوامل اثرگذار بر مدل دست یافت. هم چنین پرسشنامه در دور اول به روش نیمه باز طراحی گردید تا امکان اظهار نظر پیرامون دسته بندی عوامل و افزودن عوامل جدید برای پاسخ دهندگان میسر باشد.

جدول ۴: خلاصه مراحل مختلف توزیع پرسشنامه و نتیجه هر مرحله

پرسشنامه	تعداد شاخص	پاسخ دهندگان	تعداد	هدف از ارسال	نتیجه
اول	۲۰ شاخص	خبرگان	۳۰	حذف، ترکیب و تعدیل شاخص	دسته بندی، تعدیل و تلخیص عوامل به ۱۸ عامل
دوم	۱۸ شاخص	خبرگان	۳۰	تعدیل و اولویت بندی شاخص و دسته بندی آن ها	انجام اصلاحات جزئی در شرح برخی شاخص ها
سوم	۱۸ شاخص	خبرگان	۳۰	بررسی مجدد شاخص ها جهت تایید نهایی	شکل گیری پرسشنامه
چهارم	۱۸ شاخص	نمونه آماری	۱۶۶	تعیین اهمیت عوامل و اظهار نظر پیرامون دسته بندی عوامل	آزمون فرضیات

منابع: یافته های پژوهش

در جدول فوق به صورت مختصر مراحل مختلف توزیع پرسشنامه و نتیجه هر مرحله ارائه شده است. در مرحله اول پرسشنامه‌ای با ۲۰ شاخص به خبرگان ارائه شده است که هدف از این مرحله حذف، ترکیب و تعدیل شاخص‌ها می‌باشد که در نهایت به ۱۸ شاخص رسیده است. در مرحله دوم و سوم جهت تعدیل و اولویت بندی شاخص و دسته بندی آن ها پرسشنامه توزیع گردیده است و در مرحله آخر پس از استخراج پرسشنامه نهایی آن را در میان نمونه آماری توزیع شده است. در این پژوهش، روش دلفی در مجموع در ۳ دور به انجام رسید که در این بخش یافته‌های حاصل از هر دور به تفکیک ارائه می‌شود.

۴-۲-۱- نتایج دور اول روش دلفی

پرسشنامه دور اول دلفی که شامل دو بخش است، که به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحویل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها از هفته بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد.

جدول ۵: نتایج دور اول روش دلفی: دربارهٔ وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با

اقتصاد اسلامی - دور اول دلفی

ترتیب اهمیت	کندال	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
					۱- وجوه افتراق
5	2.28	0.611	4.29	30	نحوه اثرگذاری بر تولید ناخالص ملی
2	2.19	0.702	4.15	30	اصل مشارکت
9	2.45	0.721	4.42	30	اعتماد به دولت
6	2.32	0.641	4.31	30	ریسک نکول اعتبارات
10	2.47	0.628	4.43	30	هزینه قراردادها
1	2.14	0.726	4.09	30	بهره وری سرمایه
4	2.23	0.809	4.26	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.21	0.543	4.23	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.42	0.552	4.39	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.35	0.774	4.33	30	نرخ بیکاری
					۲- وجوه اشتراک
10	2.47	0.523	4.44	30	جلوگیری از رکود اقتصادی
2	2.18	0.662	4.09	30	تعدیل نوسانات تورم
5	2.31	0.767	4.21	30	تعدیل نرخ ارز
9	2.44	0.843	4.36	30	جلوگیری از کاهش ارزش پول
1	2.16	0.726	4.02	30	رجحان زمانی و زمان به‌کارگیری سرمایه
3	2.22	0.893	4.15	30	تعدیل نقدینگی
7	2.38	0.716	4.29	30	تعدیل نرخ ذخیره قانونی
8	2.42	0.839	4.33	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعدیل

					شکاف بین تقاضای سرمایه گذاری و عرضه پس انداز
6	2.36	0.842	4.26	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.28	0.747	4.19	30	تاکید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق شاخص‌های نهایی تحقیق که در قالب پرسشنامه نهایی طراحی گردیده است جهت ارزیابی برای خبرگان ارسال گردیده و خلاصه نظر خبرگان در جدول فوق گزارش شده است. با توجه به شاخص کندال می‌توان شاخص‌های مورد نظر را رتبه بندی نمود. با توجه به شاخص کندال، هرچه قدر شاخص کندال برای معیارهای مختلف پایین‌تر باشد، میزان اهمیت این معیار در مدل نهایی بالاتر بوده و در رتبه بهتری در معیارهای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مرحله شاخص‌هایی که در رتبه بالاتر قرار می‌گیرند حذف می‌گردند.

۴-۲-۲- نتایج دور دوم روش دلفی

یکی از اصلی‌ترین اهداف استفاده از روش دلفی حذف معیارهای مازاد می‌باشد بدین معنا که معیارهای ارائه شده تلخیص می‌گردد تا به مدل نهایی بررسی. در این مرحله بعد از حذف شاخص-های مازاد در مرحله قبل دلفی که با توجه به نظر خبرگان صورت گرفته است، مجدداً پرسشنامه برای تایید اولیه برای خبرگان ارسال شده است. پرسشنامه دور دوم به صورت حضوری و از طریق ایمیل به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحویل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها چهار روز بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی و یک بار از طریق ایمیل تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد. پرسشنامه دور دوم نیز شامل دو بخش بوده است، بخش نظر سنجی و بخش وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی که شرکت‌کنندگان در دور اول به عنوان وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی مطرح کرده بودند. در این بخش، پاسخگو باید نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از آنها بر عوامل، با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد. این گزینه‌ها در قالب طیف لیکرت و شامل «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴»، و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» ارائه گردید.

جدول ۶: نتایج دور دوم روش دلفی: دربارهٔ وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی پس از حذف شاخص‌های با میانگین پایین - دور دوم دلفی

ترتیب اهمیت	کندال	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
					۱- وجوه افتراق
5	2.13	0.633	4.19	30	نحوه اثرگذاری بر تولید ناخالص ملی
2	2.06	0.716	4.06	30	اصل مشارکت
9	2.25	0.641	4.36	30	اعتماد به دولت
6	2.17	0.617	4.28	30	ریسک نکول اعتبارات
1	2.01	0.705	4.02	30	بهره وری سرمایه
4	2.11	0.795	4.17	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.09	0.641	4.12	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.22	0.498	4.34	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.21	0.883	4.30	30	نرخ بیکاری
					۲- وجوه اشتراک
2	2.25	0.664	4.03	30	تعدیل نوسانات تورم
5	2.38	0.592	4.18	30	تعدیل نرخ ارز
9	2.47	0.743	4.29	30	جلوگیری از کاهش ارزش پول
1	2.24	0.692	4.01	30	رجحان زمانی و زمان به کارگیری سرمایه
3	2.31	0.729	4.11	30	تعدیل نقدینگی
7	2.42	0.833	4.28	30	تعدیل نرخ ذخیره قانونی
8	2.45	0.748	4.29	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعدیل شکاف بین تقاضای سرمایه گذاری و عرضه پس انداز
6	2.40	0.658	4.23	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.33	0.531	4.16	30	تاکید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۳- نتایج دور سوم روش دلفی

در این مرحله نیز جهت تایید مدل و معیارهای تایید شده توسط خبرگان پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است. پرسشنامه دور سوم به صورت حضوری و از طریق ایمیل به ۳۰ نفر از اعضای پانل تحویل داده شد و پیگیری برای دریافت پاسخ آنها چهار روز بعد از توزیع آغاز گشت. به این منظور با هر عضو به طور میانگین ۳ بار به صورت تلفنی و یک بار از طریق ایمیل تماس گرفته شد. به این ترتیب ۳۰ پرسشنامه دریافت شد. پرسشنامه دور سوم نیز شامل دو بخش بوده است، بخش نظرسنجی و بخش وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی که شرکت‌کنندگان در دور اول به عنوان وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره با اقتصاد اسلامی مطرح کرده بودند. در این بخش، پاسخگو باید نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از آنها، با انتخاب یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آنها اعلام می‌کرد. این گزینه‌ها در قالب طیف لیکرت و شامل «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴»، و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» ارائه گردید.

در جدول ۴-۷ نتایج دور سوم روش دلفی شامل مواردی مانند تعداد پاسخها برای هر گویه، میانگین پاسخها، انحراف معیار آنها، عدد کندال، ترتیب اهمیت هر عامل بر اساس میانگین پاسخها و درصد اعضایی که ترتیب هر عامل را مانند ترتیب گروه تعیین کرده‌اند، درج شده است.

جدول ۷: نتایج دور سوم روش دلفی: درباره وجوه اشتراک و افتراق نظریه‌های پول و بهره

با اقتصاد اسلامی - دور سوم دلفی

ترتیب اهمیت	کندال	انحراف معیار پاسخها	میانگین پاسخها	تعداد پاسخها	شرح عامل
					۱- وجوه افتراق
5	2.16	0.636	4.19	30	نحوه اثرگذاری بر تولید ناخالص ملی
2	2.09	0.745	4.06	30	اصل مشارکت
9	2.29	0.662	4.38	30	اعتماد به دولت
6	2.19	0.696	4.25	30	ریسک نکول اعتبارات
1	2.03	0.729	4.03	30	بهره وری سرمایه
4	2.14	0.795	4.14	30	عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
3	2.11	0.641	4.11	30	خطر از دست دادن سرمایه
8	2.25	0.498	4.36	30	اثرپذیری از شرایط بازار
7	2.22	0.883	4.29	30	نرخ بیکاری

۲- وجوه اشتراک					
2	2.19	0.462	4.06	30	تعدیل نوسانات تورم
5	2.34	0.415	4.15	30	تعدیل نرخ ارز
9	2.46	0.394	4.32	30	جلوگیری از کاهش ارزش پول
1	2.16	0.472	4.03	30	رجحان زمانی و زمان به کارگیری سرمایه
3	2.22	0.395	4.11	30	تعدیل نقدینگی
7	2.39	0.349	4.28	30	تعدیل نرخ ذخیره قانونی
8	2.42	0.415	4.29	30	گردش بهینه صحیح پول و اعتبار و تعدیل شکاف بین تقاضای سرمایه گذاری و عرضه پس انداز
6	2.36	0.328	4.23	30	کنترل عرضه و تقاضای پول
4	2.28	0.432	4.09	30	تاکید بر توسعه اقتصادی

منابع: یافته های پژوهش

با توجه به جدول بالا همانگونه که ملاحظه می شود نتایج دور دوم و سوم دلفی با هم کاملا مشابه بوده و دیگر به احتیاج به انجام دور جدید نمی باشد.

۵- نتیجه گیری

اقتصاددان های کلاسیک معتقدند، نرخ بهره تحت تأثیر نیروهای بازار در نقطه ای قرار می گیرد که میزان سرمایه گذاری به آن نرخ، با میزان پس انداز به همان نرخ برابر می شود. به اعتقاد آنها نرخ بهره توسط عرضه پس انداز و تقاضا برای سرمایه گذاری مشخص می شود. تقاضا برای سرمایه گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. زمانی که نرخ بهره بالا رود، در شرایط برابر، مقدار مورد تقاضا برای سرمایه گذاری کاهش می یابد و بالعکس، با کاهش نرخ بهره مقدار مزبور افزایش پیدا می کند. از طرف دیگر فرض می شود که پس انداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ یعنی با افزایش نرخ بهره حجم پس انداز افزایش یافته و با کاهش نرخ بهره مقدار پس انداز کم می شود. زمانی که عرضه پس انداز با تقاضای سرمایه گذاری برابر شود، نرخ بهره تعادلی به دست می آید. جان مینارد کینز در نظریه تعیین درآمد، تعیین نرخ بهره تعادلی را براساس برابری پس انداز و سرمایه گذاری ندانسته و می گوید: عرضه و تقاضا برای پول، نرخ بهره را تعیین می کند. وی بهره را به عنوان پرداخت برای عدم نقدینگی، مورد توجه قرار داده است. ساختار زمانی نرخ بهره عبارت است از رابطه میان نرخ بهره

پرداختی بر یک قرضه و تعداد سال‌هایی که بعد از اتمام آن، فرد می‌تواند قرضه را بفروشد. با فرض نگاه‌داری اوراق قرضه برای یک یا دو سال، اگر افرادی بخواهند برای دو سال سرمایه‌گذاری کنند، می‌توانند اوراق قرضه دو ساله خریداری کنند؛ یا در مرحله اول اقدام به خرید اوراق قرضه یک ساله کرده و سپس در شروع سال بعد دوباره این عمل را تکرار کنند. در اینجا نرخ بهره، مهم‌ترین عامل مؤثر در تصمیمات افراد است. اگر افراد، انتظار افزایش نرخ بهره در آینده را داشته باشند، اوراق قرضه یک‌ساله را انتخاب می‌کنند. در حالت عکس، اگر نرخ بهره اوراق قرضه دوساله، بیشتر از اوراق قرضه یک‌ساله باشد، خریدار اوراق قرضه دوساله را ترجیح خواهد داد.

از نظر اقتصاددانان کلاسیک، بهره توسط عرضه و تقاضا برای پس‌انداز تعیین می‌شود. تقاضا برای پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری، تابع غیر مستقیم نرخ بهره است. وقتی نرخ بهره بالا رود؛ در شرایط برابر مقدار مورد تقاضا برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره، مقدار مزبور افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، فرض می‌شود که پس‌انداز تابع مستقیم نرخ بهره است؛ بدین معنی که با افزایش نرخ بهره حجم پس‌انداز افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش نرخ بهره مقدار پس‌انداز کاهش می‌یابد. نرخ بهره وقتی عرضه پس‌انداز با تقاضای سرمایه‌گذاری برابر شود در حالت تعادل خواهد بود. نظریه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کلاسیک، نظریه تعیین نرخ بهره است؛ برخلاف نظریه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کینز که نظریه تعیین درآمد ملی است. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در مدل کلاسیکی هر دو در نرخ بهره متعادل در وضعیت تعادل هستند و درآمد ملی هیچ ارتباطی با این مکانیسم متعادل‌کننده ندارند. در واقع فرض شده است که درآمد ملی در حد اشتغال کامل، ثابت است. از آنجا که اقتصاددانان کلاسیک به آینده اقتصاد خوش‌بینند به تقاضای نقدینگی پول اعتقاد ندارند و بدین ترتیب فرض می‌کنند که پس‌اندازکنندگان، پس‌اندازهای خود را در راه‌هایی به کار می‌برند که از آن بهره به صورت درآمد کسب گردد و نه اینکه به شکل غیر فعال نگهداری نمایند. نتیجتاً پس‌انداز همیشه در دسترس بخش تولیدی برای مقاصد سرمایه‌گذاری قرار دارد. تا هنگامی که سطح درآمد ملی ثابت فرض می‌شود، روابط متقابل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برحسب کلاسیک، بر سطح کلی تولید اثری ندارد؛ بلکه بر ترکیب تولید تأثیر می‌گذارد.

بهره بانکی یا بهره سرمایه در اقتصاد جدید یک پدیدار صرفاً پولی نیست، بلکه متغیری است وابسته به کمیابی سرمایه (پس‌انداز). «کینز» در دوران معاصر مسئولیت‌بزرگی در دامن زدن به این شبهه داشته که گویا بهره، متغیری صرفاً پولی است؛ به طوری که با افزایش حجم آن می‌توان نرخ بهره را پایین آورده حتی آن را نهایتاً صفر نمود. همچنان که خواهیم دید شبهه «کینز» دامن برخی از محققان متاخر اسلامی را گرفته و آنها را وادار به ارزیابی‌های نادرست نموده است. در یک اقتصاد گسترده بازار، نرخ بهره نقش کلیدی و مهم پیوند و تنظیم رابطه میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را

بر عهده دارد. نرخ بهره واقعی که مستقل از اراده فردی و حتی دولتی، توسط مکانیسم بازار معین می‌شود، در حقیقت گویای کمیابی پس‌انداز از یک سو و بازدهی نهایی (مارژینال) سرمایه از سوی دیگر است. کارکرد اصلی بهره در یک سیستم بانکداری عبارت است از هدایت پس‌انداز، به ویژه پس‌اندازهای متوسط و کوچک، به سوی سرمایه‌گذاری. پس‌اندازکننده با امساک از مصرف آنی، امکان تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد و نتیجه سرمایه‌گذاری عبارت است از بالا رفتن بازدهی تولید در آینده. یعنی امساک از مصرف آنی (پس‌انداز) موجب افزایش محصولات تولیدی در آینده می‌شود، و پس‌اندازکننده به خاطر این که طی یک مدت زمانی، خود را از مصرف محروم کرده، یعنی هزینه فرصتی را از جهت مصرف متحمل شده است، بخشی از بازدهی اضافی تولید در آینده را به صورت بهره دریافت می‌دارد. در این چارچوب، بهره حقیقی است که از مشارکت در بالا بردن توان تولیدی ناشی می‌شود. بدیهی است که در یک اقتصاد سنتی معیشتی که عملاً پس‌اندازهای متوسط و کوچک وجود ندارند و اساساً تولید مبتنی بر سرمایه‌گذاری نیست، تصور چنین سیستمی غیر ممکن است. بنابراین به صرف شباهت ظاهری، نمی‌توان بهره بانکی را، که امکان تحقیق آن در جوامع سنتی معیشتی ممتنع است، با «ربا» در این جوامع یکسان تلقی نمود. در نظام جدید اقتصادی دو نوع نرخ بهره را می‌توان از هم متمایز کرد، یکی نرخ بهره واقعی و دیگری نرخ بهره اسمی. نرخ بهره واقعی به لحاظ نظری، از یک سو نمایانگر میل نهایی (مارژینال) به پس‌انداز و از سوی دیگر بازدهی نهایی (مارژینال) سرمایه است، یعنی در نظام بازار نرخ بهره، جایی معین می‌شود که هزینه نهایی امساک از مصرف میل نهایی به پس‌انداز با نفع نهایی ناشی از سرمایه‌گذاری برابر گردد. نرخ بهره، مانند سایر قیمت‌ها در سیستم بازار، به هیچ وجه از قبل به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست و تحت تاثیر عوامل مؤثر بر بازار، که غیر قابل پیش‌بینی‌اند، تغییر می‌یابد. اما نرخ بهره اسمی (پولی)، متغیری است که توسط میزان عرضه و تقاضای پول اسمی معین می‌گردد. با وجود این که عرضه پول اسمی توسط مقامات پولی (بانک مرکزی یا دولت) قابل کنترل است، اما در هر صورت تقاضا برای پول اساساً متأثر از متغیرهای واقعی اقتصادی، مانند میزان بازدهی سرمایه‌گذاریهاست، و توسط هیچ مرجع قدرتی قابل کنترل نیست. بنابراین در نظام اقتصادی مبتنی بر بازار، حتی نرخ بهره اسمی را هم نمی‌توان از قبل برای درازمدت دقیقاً معین نمود. این سخن تناقضی با این واقعیت ندارد که در کوتاه‌مدت، مقامات پولی و دولتی، با سیاست‌های پولی و مالی نرخ بهره بازار را در جهت افزایش یا کاهش سوق دهند؛ اما در هر صورت این متغیرهای واقعی اقتصادی هستند که از طریق مکانیسم بازار، انحرافات شدید از نرخ بهره واقعی را نهایتاً تصحیح می‌کنند.

در میان اقتصاددانان معروف معاصر، «کینز» شاید از معدود کسانی است که نرخ بهره را همانند متفکران قدیمی، متغیری صرفاً پولی می‌داند و نه سرمایه‌ای، و از این زاویه اقتصاددانان نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار می‌دهد. کینز با صراحت نرخ بهره را قیمت پول، یا به سخن خود وی «یجادکننده تعادل بین عرضه و تقاضای وام‌های پولی»، تلقی می‌کند. او برخلاف اقتصاددانان نئوکلاسیک (مارشال)، نرخ بهره را با بازدهی نهایی سرمایه توضیح نمی‌دهد بلکه برعکس، بازدهی نهایی سرمایه و سطح سرمایه‌گذاری را تابعی از نرخ بهره می‌داند. بدین لحاظ بهترین سیاست اقتصادی از دیدگاه وی عبارت است از «پایین آوردن نرخ بهره نسبت به منحنی بازدهی سرمایه، به طوری که با افزایش سرمایه‌گذاریها وضعیت اشتغال کامل تحقق یابد». به عقیده کینز با پایین آوردن نرخ بهره، از طریق افزایش عرضه پول، می‌توان موجب گسترش سرمایه‌گذاریها و در نتیجه افزایش تجهیزات سرمایه‌ای گردید. افزودن بر حجم تجهیزات سرمایه‌ای، به نظر وی یک پیشنهاد عملی است که هدف آن از میان برداشتن کمیابی سرمایه و، در نتیجه، تعلق گرفتن پاداش (بهره) به سرمایه‌دار غیر فعال است. نکته مهم دیگری که کینز و طرفداران حذف بهره سرمایه، در قضاوت‌های ارزشی و اخلاقی خود مورد غفلت قرار می‌دهند، این است که اگر در دوران قبل از سرمایه‌داری رباخواران عمدتاً ثروتمندان و صاحبان اندوخته‌های پولی بودند که با وام دادن به افراد عموماً بی‌چیز و یا در تنگنا، با مطالبه نرخ‌های بالای بهره آنها را مورد ستم قرار می‌دادند، در نظام‌های اقتصادی جدید، دریافت‌کنندگان بهره سرمایه عمدتاً صاحبان پس‌اندازهای کوچک و متوسط هستند نه صاحبان سرمایه‌های بزرگ و «غیر فعال». همچنان که یکی از اقتصاددانان بزرگ معاصر می‌نویسد، در دوران باستان، «زمان آتنی‌های سولون، قوانین ارضی قدیمی رم و قرون وسطی، وام‌دهندگان عموماً ثروتمندان بودند و وام‌گیرندگان بی‌چیزها. اما [امروزه] در عصر اوراق قرضه، بانکهای رهنی، بانکهای پس‌انداز، صندوقهای بیمه عمر و نهادهای بیمه‌های اجتماعی، وام‌دهنده‌ها بیشتر عبارتند از: اکثریت آحاد مردم با درآمد متوسط. از سوی دیگر ثروتمندان به عنوان دارندگان سهام شرکتها، کارخانه‌ها، مزرعه‌ها و املاک مسکونی، اغلب وام‌گیرنده هستند تا وام‌دهنده.

منابع

۱. ابوالحسنی هستیانی، علی اصغر، بیابانی، جهانگیر، اثنی عشری امیری، ابوالقاسم و کهندل، محمد (۱۳۹۱). چیستی پول در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۸)، ۷۷-۱۰۶.
۲. ایزدی، حمیدرضا و دهمرده، نظر (۱۳۹۱). رابطه‌ی بین عملکرد سیاست‌های پولی و مالی و ثبات تابع تقاضای پول و پیش‌بینی این تابع در ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی*، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۹۰.
۳. بخشی دستجردی، رسول، حسینی، سید عقیل، محمدی، مهدی و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۳). نقدی بر توجیهات معاصر پیرامون تفاوت بهره طبیعی از ربا در نگاه اندیشمندان اقتصاد اسلامی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۱(۱)، ۸۰-۴۹.
۴. بنی اسدی، ایوب و عابدینی، بیژن (۱۳۹۵). بررسی و اثربخشی نقش پول در اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۳(۷).
۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، تهران: نشر توانگران، چاپ اول.
۶. توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریان برخی از اندیشه وران اسلامی در باره ماهیت پول. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۵(۱۹)، ۱۵۹-۱۲۳.
۷. سبحانی، حسن و قائمی نیا، علی اصغر (۱۳۹۵). پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (ره). *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۳)، ۸۹-۶۹.
۸. جمشیدی، لیلا (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی بدون ربا موانع چالش‌ها. دومین کنفرانس ملی حسابداری-مدیریت اقتصاد با رویکرد اشتغال پایدار نقش آن در رشد صنعت.
۹. داوودی، پرویز، میرجلیلی، سید حسین و نظری، حسن (۱۳۹۰). پول در اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۱۰. داودی، پرویز و صمصامی، حسین (۱۳۸۷). اقتصاد پول و بانکداری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۱۱. زاهدی وفا، محمد هادی و پیغامی، عادل (۱۳۸۸). پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲(۱)، ۳۷-۵.
۱۲. رهبر، مهدی و خطیبی، منیره (۱۳۹۶). ماهیت پول از منظر فقه اسلامی. *دوفصلنامه فقه مقارن*، ۵(۹)، ۳۹-۵.
۱۳. عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۸(۲۹)، ۶۱-۳۵.

۱۴. شاکری، عباس (۱۳۹۵). اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها، انتشارات پارس نوپا، چاپ ششم.
۱۵. کمبجانی، اکبر، ابریشمی، حمید و روحانی، سید علی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۱۵(۲۹)، ۳۸-۹.
۱۶. موسائی، میثم (۱۳۸۳). ربا و کاهش ارزش پول، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
۱۷. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). نظریه‌های ربا و بهره. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۷)، ۶۷-۱۰۰.
۱۸. میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سیاست پولی متعارف در مقابل نامتعارف. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۳(۲)، ۱۱۱-۱۲۵.
۱۹. مجاهدی موخر، محمد مهدی، دلالی اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید و بخشی، رسول (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۱(۶۵)، ۲۳۰-۲۰۱.
۲۰. میرجلیلی، سید حسین و نظری، حسن آقا (۱۳۷۳). پول در اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۱. نظری، حسن آقا و میرجلیلی، سید حسین و داودی، پرویز (۱۳۹۰). پول در اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۲. واعظ برزانی، محمد و ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۰). تحلیل نقش نرخ بهره پولی در بحران‌های اقتصادی نظام سرمایه داری: رویکرد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۴)، ۷۷-۱۰۶.
۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۴). احکام فقهی کاهش ارزش پول. *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، ۱(۲).
24. Friedman, M. (1956). the Quantity Theory of Money: A Restatement; in M. Friedman (Ed), *Studies in the Quantity Theory of Money*, Chicago: The University Chicago Press.
25. Fletcher G.A. (1989). A Monetary Theory of the Rate of Interest. In: *The Keynesian Revolution and its Critics*. Keynesian Studies. Palgrave Macmillan, London.
26. Fontana, J. (2011). The Role of Money and Interest Rates in The Theory of Monetary Policy: an Attempt at Perspective. *History of Economic Ideas*, 19(3), 113-134.

27. Abel, I. & Lehmann, K. (2020). Real and Monetary Theories of the Interest Rate. *International Journal of Political Economy*, 48(4), 353-363.
28. Tobin, J. (1961). Papers and Proceedings of the Seventy - Third Annual Meeting of the American Economic Association. *the American Economic Review*, 51(2).
29. Ahiakpor, J.C.W. (1999). Wicksell on the Classical Theories of Money, Credit, Interest and the Price Level. *American Journal of Economics and Sociology*, 58(3), 435-457.
30. Peter, B. & Mathias, R. (2017). Excess saving and low interest rates: Assessing theory and evidence from the Global Crisis, Research-based policy analysis and commentary from leading economists.
31. Liuyan Zhao (2017). The behavior of money demand in the Chinese hyperinflation. *China Economic Review*, 42(c), 145-154.

